

International Conference on The School of Martyr Soleimani
(ICSMS ۲۰۲۱)

Explaining the Qur'anic Pattern of How "Spiritual
Martyrdom" Takes Precedence over "Current
Martyrdom" in the School of Shahīd Suleimānī Based on
Grounded Theory Approach

Zahra Alimoradi *

Mahtab Eydi **

Zeynab Thamani***

Abstract

One of the teachings of the school of Shahīd Suleimānī is the precedence of "being a martyr" over "becoming a martyr". This doctrine arises from religious concepts. The present study seeks to explain the Qur'anic components of "being a martyr" in the school of Shahīd Suleimānī based on Grounded Theory Approach to explain why and how "spiritual martyrdom" takes precedence over "current martyrdom [Mujāhid]". The meaning of self-martyrdom is the killing of the pāsein for the sake of Allah (SWT) and the meaning of the current martyrdom is the killing of the body for the sake of Allah (SWT). Therefore, by examining verses from the Holy Qur'an about the martyrs, all their characteristics were extracted, coded, categorized, and finally the Qur'anic components of "the priority of being a martyr over becoming a martyr" were learned. One of the results of this research is the discovery of the components that, if observed, "spiritual martyrdom" is obtained for human beings and, if continued, puts human beings on the path of receiving the gift of "current martyrdom". A set of causal and grounded conditions leads to the adoption of specific behavioral strategies in the lives of those were killed in the way of Allah (SWT), of which murder for the sake of Allah (SWT) is only one consequence. Therefore, the way of "current martyrdom" is only through "spiritual martyrdom".

Keywords: *Qāssim Suleimānī, To live as a martyr, Degrees of martyrdom, Conditions needed to be martyred, Grounded Theory Approach*

* PhD in Islamic Education, Faculty of Education and Islamic Thought, University of Tehran, Tehran, Iran. z.alimoradi@ut.ac.ir

** PhD Student, Faculty of Education and Islamic Thought, University of Tehran, Tehran, Iran. m.eydi@ut.ac.ir

*** PhD Student, Faculty of Education and Islamic Thought, University of Tehran, Tehran, Iran. zenab.samani@ut.ac.ir

تبیین الگوی قرآنی چگونگی تقدم «شهادت نفسی» بر «شهادت فعلی» در مکتب شهید سلیمانی بر اساس روش داده بنیاد

زینب ثمنی***

مهتاب عیدی**

زهرا علیمرادی*

چکیده

یکی از آموزه‌های مکتب شهید سلیمانی تقدم «شهید بودن» بر «شهید شدن» است. این آموزه برخاسته از مفاهیم دینی است و پژوهش حاضر به دنبال تبیین مؤلفه‌های قرآنی «شهید بودن» در مکتب شهید سلیمانی بر اساس روش داده بنیاد است تا چرایی و چگونگی تقدم «شهادت نفسی» بر «شهادت فعلی» تبیین گردد. مراد از شهادت نفسی، قتل هوای نفس فی سبیل الله و مراد از شهادت فعلی، قتل جان فی سبیل الله است. از این رو، با بررسی آیاتی از قرآن کریم در مورد شهداء، هم‌هی ویژگی‌های ایشان استخراج، کدگذاری، مقوله بندی و در نهایت مؤلفه‌های قرآنی «تقدم شهید بودن بر شهید شدن» اصطیاد شد. از نتایج این پژوهش، کشف مؤلفه‌هایی است که در صورت رعایت آنها، «شهادت نفسی» برای انسان حاصل شده و در صورت استمرار انسان را در مسیر دریافت موهبت مقام «شهادت فعلی» قرار می‌دهد. مجموعه‌ای از شرایط علی و زمینهای منجر به اتخاذ راهبردهای خاص رفتاری در زندگی کشته شدگان در راه خدا می‌گردد، که قتل فی سبیل الله تنها یکی از پیامدهای آن است. بنابراین، راه «شهادت فعلی»، جز از طریق «شهادت نفسی» نیست.

کلیدواژه‌ها: قاسم سلیمانی، شهید زیستن، مراتب شهادت، شرط شهید شدن، داده بنیاد

* دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. z.alimoradi@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

m.eidy@ut.ac.ir

*** دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

zenab.samani@ut.ac.ir

مقدمه

مکتب شهید سلیمانی در تطابق با مکتب اسلام و گفتمان انقلاب اسلامی، برخاسته از مؤلفه‌های و اصولی است که شناسایی این مؤلفه‌ها، تاثیر بسزایی در ترویج این مکتب دارد. یکی از جملات مهم ایشان مربوط به «شرط رسیدن به مقام شهادت» است. سردار شهید سلیمانی شرط شهید شدن را اینگونه بیان می‌کند: «تا کسی شهید نبود شهید نمی‌شود. شرط شهید شدن شهید بودن است. اگر امروز کسی را دیدید که بوی شهید از کلام او، از رفتار او و از اخلاق او استشمام می‌شود بدانید او شهید خواهد شد. تمام شهدای ما این مشخصه را داشتند. قبل از اینکه شهید شوند شهید بودند. نمی‌تواند کسی قبل از اینکه علم بیاموزد عالم شود. شرط عالم شدن علم‌آموزی است. شرط شهید شدن شهید بودن است» (کنگره ملی ۸ هزار شهید استان گیلان، ۱۵ دی ۱۳۹۸).

پژوهش حاضر به دنبال تبیین مؤلفه‌های قرآنی تقدم شهید بودن بر شهید شدن از طریق پاسخ به این پرسش است که «بر اساس آیات قرآن کریم، چگونه قبل از شهید شدن می‌توان شهید بود؟ و به عبارت دیگر قرآن کریم چه صفاتی را در سبک زندگی انسان علاقمند به شهادت، ضروری می‌داند تا از طریق آن وی را در مسیر شهادت در راه خدا قرار دهد؟» قرآن کریم برای این معنا، مؤلفه‌هایی را در آیات مربوط به شهدا ذکر کرده است. بر این اساس، شیوه‌ی زندگی شهدای ذکر شده در قرآن کریم می‌تواند ما را به فهم عمیق‌تری از ابعاد شخصیتی در عقاید، احساس، کلام و رفتار شهدا در حیات دنیوی شان برساند. از این رو، آیات مربوط به سخنان و رفتارهای شهدایی که ذکر آن در قرآن کریم رفته است، مورد بررسی قرار گرفت.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

پاسخ به سئوالاتی نظیر موضوع، چرایی، ضرورت، روش تحقیق، چارچوب نظری پژوهش را ترسیم می‌کند (والیمن^۱، ۲۰۱۱: ص ۳۰).

برخلاف عده‌ای که چگونه مردن را امری ثانوی تلقی می‌کنند^۲ و پرداختن به آن را بی‌نیاز از به معرفت و حیانی می‌دانند، قرآن کریم علاوه بر چگونه زیستن، چگونه مردن را نیز می‌آموزد و چه بسا پایان امر را از آغاز آن مهم‌تر می‌شمارد: «وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (آل عمران (۳)، ۱۰۲) زیرا حشر انسان به همان صورتی است که مرده است (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۱۶، ۲۰۴). کسی که همه شئون او تنها برای خداست «قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ» (انعام (۶)، ۱۶۲-۱۶۳) مسلمان زندگی می‌کند، مسلمان می‌میرد و مسلمان محشور می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۱۶، ۲۰۵).

از سوی دیگر، یکی از شعارها و شعارهای مکتب شهید سلیمانی، مفهوم «سبقت شهادت نفسی بر شهادت فعلی» است. یعنی اگر شخصی امیدوار است تا به مقام شهدا برسد، باید خود را واجد شرایطی کند تا از این رهگذر در مسیر نیل به این هدف مقدس قرار گیرد. بنابراین، اگر کسی می‌خواهد، شهید بمیرد و شهید محشور شود، باید در این دنیا نیز شهید زندگی کند و این منطق قرآن کریم است که مکتب شهید سلیمانی بر آن مبتنی است. ضرورت نگارش مقاله حاضر، بر مبنای لزوم الگوگیری از شهداء است. زیرا طبق آیه شریفه «وَلَاتَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران (۳)، ۱۶۹) شهدا به مرتبه «حی حقیقی» نایل شدند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، در تاریخ ۵ شهریور ۱۳۸۰).

همچنین، معرفت به چگونگی این راه - چگونه شهید زیستن - از طریق کتاب خدا میسر است. بنابراین برای رسیدن به مقام شهادت و معرفت به شروط تحقق آن در حد کمال، رجوع به آموزه‌های و حیانی ضروری است.

۱. Nicholas Walliman

۲. خدایا چگونه زیستن را به من بیاموز، چگونه مردن را خود خواهم آموخت (الکسیس کارل (۱۳۸۷)، نیایش، ترجمه علی شریعتی، تهران: دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار معلم شهید دکتر علی شریعتی).

پیشینه پژوهش

اگرچه پیش از این مقاله‌ای در این زمینه با رویکرد اصطیاد مؤلفه‌های قرآنی از طریق روش آکادمیک «داده بنیاد» نگارش نشده است، اما در باب این جمله‌ی شهید، مطالب متعددی در خبرگزاری‌های مختلف به تحریر درآمد. مشرق نیوز به فاصله‌ی چند روز بعد از شهادت سردار، مقاله‌ای با عنوان «الگوی شهید بودن برای شهید شدن را چگونه از سردار سلیمانی بیاموزیم؟» در صفحه جهاد و مقاومت، تیر زد (۱۶ دی ۱۳۹۸). علی‌رغم مطالب مفیدی که در خبر کار شده است، از نظر محتوایی، مطالب غیرسازمان‌یافته و پراکنده با رویکرد ژورنالیستی است و الگوی خاصی را ترسیم نکرده است. خبرگزاری شبستان، «معنای شهید زندگی کردن در کلام سردار آسمانی / چگونه هر یک از ما «قاسم سلیمانی» شویم؟!» را در صفحه اندیشه-سبک زندگی خود منتشر کرد. این خبر، تلخیص سخنانی سید حسین مؤمنی است که بر وجه اخلاص و ولایت‌مداری شهید تاکید می‌نماید (۱۷ دی ۱۳۹۸). با وجود نکات آموزنده، بلاغت متن، منبری است و اشاره‌ای به آیات قرآن کریم نشده و وجوه مختلف جمله سردار شهید نیز تبیین نگردیده است که همین مساله نیاز به مطالعه در موضوع حاضر را دوچندان می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

مطالعه‌ی حاضر به روش کیفی کارشده است و از نظر جهت‌گیری توسعه‌ای و از نظر هدف اکتشافی است. شیوه‌ی جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها با استفاده از استراتژی پژوهش کیفی «نظریه‌ی داده‌بنیاد»^۱ انجام گرفته است. این نظریه، ابزار پژوهشی قدرتمندی برای گردآوری و تحلیل داده‌های پژوهش است (آلان^۲، ۲۰۰۳: ۱) که به جای روش کمی، به روش کیفی توجه دارد و به عنوان یکی از روش‌های اصلی تحقیق در حال گسترش است (ساتو^۳، ۲۰۱۹: ۷۱). در نیمه دوم قرن نوزدهم اولین بار از سوی دو روان‌شناس گلیسر^۴ و استراوس^۵ در میان مطالعه در مورد بیماران در شرف مرگ در بیمارستان به کار گرفته شد (چارماز^۶، ۲۰۰۶: ۵)، بعدها این دو در اخذ مبنای پژوهش از یکدیگر جدا شدند (ساتو، ۲۰۱۹: ۱). اگرچه نظریه زمینه‌ای یا داده‌بنیاد غالباً برای دستیابی به نظریه به کار می‌رود، اما این قابلیت را هم دارد که از تکنیک‌های آن در قالب دیگر روش‌های کیفی بهره برد (استراوس و کوربین^۷، ۱۹۹۰: ۲)، پایه‌ای‌ترین مرحله، استخراج شناسه‌ها، مفاهیم و طبقه‌بندی آنها است. مرحله تحلیل داده‌ها دست‌کم مشتمل بر سه گام است، در اولین گام، عملیات تحلیل داده‌ها آغاز می‌گردد، این مرحله «فرایند کدگذاری»^۸ نامیده می‌شود و از آن‌ها از آن‌رو به آن کدگذاری بازمی‌گویند که محقق در این مرحله داده‌ها را باز می‌کند تا از دل آن‌ها کدهای محتوایی را بیرون بکشد. (استراوس و کوربین ۱۳۹۰: ۲۷۲). ادغام شناسه‌های مرتبط برای کشف مفاهیم جدید، بخش مرکزی روش داده‌بنیاد است. در نهایت، کاربست این مفاهیم در یک الگو مقایسه و ترسیم می‌شود (آلان، ۲۰۰۳: ۱). در این تحقیق به منظور بازشناسی مؤلفه‌های تقدم شهادت نفسی بر شهادت فعلی در قرآن کریم از تکنیک‌های این روش بهره بردیم.

در ابتدا تمام آیاتی که در مورد شهید، معنای شهادت، شاهدان، افراد شهید در قرآن، ویژگی‌های شهدا و سخنان و رفتارهای آنها، نیز آیاتی که بیان‌گر اوصاف مجاهدان راستین فی سبیل الله است، استخراج شد. در این میان، آیاتی که ناظر به تأثیرگذاری منش، سخن و عقاید شهداء بود، گزینش شدند. در مرحله کدگذاری باز به عنوان اولین مرحله از تجزیه و تحلیل داده‌ها در یک

۱. Grounded Theory Approach (GTA)

۲. George Allan

۳. Hidernori Sato

۴. Barney G. Glaser

۵. Anselm L. Strauss

۶. Kathy Charmaz

۷. Anselm L. Strauss

۸. Juliet M. Corbin

فرآیند تحلیلی انجام گرفت تا در خلال کدهای اولیه شناسایی و از مقایسه آن‌ها مفاهیم مشترک پدیدار گردند، سپس با مقایسه مفاهیم به دست آمده مقولات و در سطح بالاتر ابعاد نمایان گردد. مرحله بعد، کدگذاری محوری است که فرآیند مرتبط کردن گروه‌ها و زیرگروه‌ها ایشان است و به این دلیل محوری نامیده می‌شود که کدگذاری حول محور یک گروه با مرتبط کردن گروه‌ها از نظر مشخصات و ابعاد انجام می‌شود. در واقع به هم پیوستن مجدد داده‌هایی است که در حین کدگذاری باز شکسته شده‌اند کدگذاری انتخابی، فرآیند انتخاب سیستماتیک مقوله اصلی و ارتباط دادن آن با سایر مقولات، اعتبار بخشیدن به روابط و پر کردن خلأها با مقولاتی است که به اصلاح و بسط بیشتر نیاز دارند (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶، ۲۱۰؛ استراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۶۱ و ۹۷ و ۱۱۸). پس از استخراج داده‌ها و کدگذاری و ترسیم مفاهیم نوبت به ساخت مقوله‌ها می‌رسد. این دسته‌بندی‌ها در نهایت به مؤلفه‌های قرآنی تقدم شهادت نفسی بر شهادت فعلی منتج می‌شود. در اینجا ۷۳ کد مستقل به هر یک از داده‌های مستخرج از آیات داده شد. این شناسه‌ها در سه مقوله قابل تنظیم است: بُعد بینشی (اعتقادی)، بُعد گرایشی (عاطفی) و بُعد کنشی (رفتاری). هر یک از این ابعاد، به سه زیرشاخه تقسیم می‌شود که کدهای مرتبط، ذیل هر کدام از این محورها قرار می‌گیرند و شامل سه دسته‌ی «مربوطه به خدا، مربوط به شخص، مربوط به مردم» می‌شود.



از این رو، از این رو، مؤلفه‌های بنیادین در شکل‌گیری «زیست‌شهادی» از طریق مطالعه ویژگی‌های شهدای قرآنی به صورت نظامند و با روش علمی قابل کشف است. ویژگی‌هایی که موجب می‌شود، این افراد در حیات دنیوی خود زیست‌شهادی داشته باشند و در مسیری قرار بگیرند که در نهایت منجر به فدا کردن جان در راه خدا شود چرا که بر اساس حدیث نبوی هیچ قطره‌ای نزد خدای عزّ و جلّ دوست داشتنی‌تر از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود نیست: «مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَطْرَةٍ دَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵، ۵۳).

مفهوم تقدم

واژگان «تقدم و تأخر» یا «سبقت و لحوق» از اصطلاحات فلسفی است. تقدم عبارت است از موجودیت چیزی قبل از چیز دیگر به طوری که شیء دوم فقط پس از ایجاد شیء اول ایجاد شود (صلیبا، ۱۳۶۶: ۱، ۲۴۶). ارسطو، تقدم را مشتمل بر چهار قسم ۱. تقدم زمانی، ۲. تقدم جزء بر کل، ۳. تقدم رتبی و ۴. تقدم افضل و اشرف می‌داند (فاخوری و الجری، ۱۳۹۳: ص ۵۰۷). اما ابن سینا به تبع فارابی، تقدم وجودی را نیز بر این اقسام افزوده است (ابن سینا، ۱۴۰۳ق: ۱، ۲۲۹). از میان اقسام تقدم در فلسفه اسلامی، در این پژوهش «تقدم زمانی، شرافتی و وجودی» مراد است. تقدم زمانی به معنی سبقت وجود شیئی بر شیء دیگر در بستر زمان است، تقدم شرافتی به معنی افضلیت و برتریت در ارزش و شرافت است و تقدم وجودی به این معناست که وجود شیئی مترتب بر وجود شیئی دیگر باشد، مانند ترتب وجود روشنایی به وجود نور (ابن سینا، ۱۴۰۳ق: ۱، ۲۲۹). در عنوان پژوهش، تقدم و سبقت وجودی و زمانی مراد است زیرا نحوه مرگ انسان، با نحوه زیست او در دنیا ارتباط مستقیم دارد و شهادت در راه خدا زمانی حاصل می‌شود که هم از نظر وجودی و هم زمانی، شخص این قابلیت را در خود ایجاد کرده باشد. قرآن کریم قبض روح افرادی که پاکیزه از شرک زیسته‌اند، با ملائکه‌ی رحمت انجام می‌دهد و به ایشان مژده امنیت و بهشت می‌دهد و این جزای اعمال جمیلی است که در دنیا انجام داده‌اند: «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (نحل (۱۶)، ۳۲)، در مقابل افرادی که مرتکب فعل قبیح شده‌اند، هنگام توفی، ملائکه‌ی خبیث آنها را قبض روح می‌کنند (طوسی، بی‌تا، ۳۷۷). در نتیجه، چگونگی زیستن از نظر وجودی و زمانی نسبت به چگونگی موت تقدم دارد.

مفهوم شهادت نفسی و فعلی

انتقال از دار دنیا دو گونه است: عده‌ای از مردم با موت منتقل می‌شوند درحالی که از حیات دنیوی مفارقت نموده و به حیات اخروی زنده می‌شوند. عده‌ای دیگر با غیر موت از حیات دنیوی منتقل می‌شوند و آن شهادت در راه خداست که در حقیقت امر، زنده‌اند و نزد پروردگار روزی

می‌خورند (ابن عربی، ۱۴۱۰ق: ۱، ۴۸۰). شهید در لغت به دو معنای شاهد و مشهود است، که در وجه تسمیه آن وجوهی بیان شده است از جمله: حضور ملائکه در لحظه قتل، گواهی خدا و ملائکه به داخل شدن شهید به بهشت، گواهی دادن شهید بر اعمال امت‌ها و در نهایت زنده و ناظر بودن شهید (طریحی، ۱۴۱۶: ۳، ۷۷-۷۸)

این مفاهیم ناظر به دو رتبه‌ی شهادت، در حقیقت تعبیری است که از سوی مؤلفان مقاله جعل شده است. به این معنا که بر اساس جمله سردار شهید، این ترکیب اسمی، در معنایی خاصی استعمال می‌شود و مراد از «شهادت نفسی» این است که شخص در حیات دنیوی خود را واجد صفات و عقایدی کند و به تبع، طوری رفتار نماید که قابلیت رسیدن به مقام شهادت را در خود به وجود بیاید. این تعبیر، معادل «شهید بودن در حیات دنیوی» است به گونه‌ای که شخص هوای نفس خود را برای تقرب به خدا قربانی می‌کند و این امر در نهایت انسان را در مسیر قربانی کردن جان در راه خدا - که همان شهادت در مقام فعل خارجی است - قرار می‌دهد و ما از این مرتبه تعبیر به «شهادت فعلی» می‌کنیم. بر اساس مکتب شهید سلیمانی، لازمه‌ی «شهید شدن» به معنای ازاله‌ی روح از بدن در راه خدا - که ما تعبیر شهادت فعلی را برای آن به کار می‌بریم - «شهید بودن» است. این تقدم از آیات قرآن کریم قابل استنباط و تأیید است.

مسئله موت، امر اختیاری نیست و از امور تکوینی است، بنابراین تعلق امر و نهی به آن امری تکلیفی نیست، بلکه امر و نهی تکوینی خواهد بود مانند آیه شریفه «وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (بقره (۲)، ۱۳۲ و آل عمران (۳)، ۱۰۲) (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۳، ۳۶۷؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۷ق: ۵، ۲۹۴). بر این اساس، شهید شدن که از اقسام مرگ و البته اشرف آنهاست «أَشْرَفَ الْمَوْتِ قَتْلُ الشَّهَادَةِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۴، ۴۰۳)، امری خارج از حیطه‌ی اختیار انسان است. از سوی دیگر، قرآن کریم گاهی امر غیراختیاری را با امری اختیاری جمع می‌کند مانند «فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُخَلَّفِينَ» (بقره (۲)، ۱۴۷) و یا «وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ» (هود (۱۱)، ۴۲) و یا «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه (۹)، ۱۱۹). چه اینکه «اهل تردید یا کفر یا صداقت بودن یا نبودن» امری صددرصد اختیاری نیست زیرا بخشی خارج از اختیار انسان است - «اصل بودن یا نبودن» - و بخشی از آن - واجد شدن به اوصاف تردید، کفر و صداقت - به اختیار انسان است. بنابراین تعلق امر یا نهی در حالتی که دو امر اختیاری و غیر اختیاری با هم ملازمت دارند، کنایه از التزام شخص به اوصاف مد نظر است. در نهایت اینکه، اگر انسان در همه حال خود را ملتزم به صداقت یا اسلام کند، یا ملتزم به عدم تردید یا عدم کفر نماید، به‌طور اجتناب‌ناپذیری، هر زمان مرگ او فرا رسد در یکی از حالات اسلامش مرده است (رک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۳، ۳۶۷؛ جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۱۶، ۱۹۷-۲۰۵).

در نتیجه، عبارت «شهید بودن» با این نوع تبیین سازگار است. یعنی انسان به گونه‌ای زندگی

کند که در تمام حالات، خود را واجد صفات شهدا کند و هرگاه مرگ او رسد، طبیعتاً در یکی از حالات شهادت خواهد بود. شاهد بر این معنا، روایات حاکی از مرگ افرادی است که در غیر از معركة‌ی نبرد می‌میرند اما ثواب شهید به ایشان تعلق می‌گیرد مانند «مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الشَّهَادَةَ بِصَدَقِ بَلَّغَهُ اللَّهُ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَ إِن مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ» (مازندرانی، ۱۳۸۲ق: ۸، ۲۵۵) و «أَلَا مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً» (ابن شاذان، ۱۴۰۷: ۶۷). چرا که این افراد، به حالتی از حالات شهادت زندگی کرده‌اند و به هنگام توفی به منزلی از منازل شهادت می‌رسند، چه اینکه شهادت دارای مراتب است و برخی از شهدا به برخی دیگر غبطه می‌خورند، امام سجاد (علیه‌السلام) فرمودند: «إِنَّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنزِلَةً يَغْبِطُهُ بِهَا جَمِيعُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۴۱۳). از سوی دیگر، اطلاقاتی مانند «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا الْاَوْسَعَهَا» (بقره، ۲)، (۲۸۶) و «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا اَلْاَمَاءِ اَتَاهَا» (طلاق، ۶۵)، (۷) بر همه اطلاقاتها و عموماتی که ممکن است تکلیف به «ما لا یطاق» از عموم یا اطلاقات آنها فهمیده شود، حاکم‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۱۶، ۲۰۳). بر این اساس، شهید بودن یعنی شهید زیستن و خود را واجد صفات شهدا نمودن و این امری کاملاً اختیاری است و هر انسان مؤمنی در حد توان خود با استمرار به اتصاف به اوصاف شهدایی تا لحظه‌ی مرگ، می‌تواند از درجه یا درجاتی از مقام شهدا بهره‌مند شود. برای انجام اولین مرحله از روش داده بنیاد - یعنی کدگذاری باز داده‌ها - ابتدا نیازمند جمع آوری آیات مربوط به شهدا هستیم و آن از طریق گزینش آیات شامل مصادیق شهدا که شامل سخنان، رفتارها، احساسات و آرزوی ایشان است:

جدول ۱. مصادیق شهدا در قرآن کریم

افراد	آیات
آسیه (س)	<p>وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتُ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ اٰبِنِ لِي عِنْدَكَ بِنْتًا فِی الْاٰجِنَةِ وَ نَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهٖ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِیْنَ (تحریم، ۶۶)، (۱۱)</p> <p>آسیه (سلام‌الله‌علیها) به جهت ایمان آوردن به خدا و موسی (علیه‌السلام) به دستور فرعون به شهادت رسید (سیوطی، ۱۴۰۴: ۸، ۲۲۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰، ۴۷۹)</p>
	<p>وَ قَالَتْ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتْ عَیْنِ لِي وَ لَكَ لَاتَقْتُلُوهُ عَسَىٰ اَنْ يَنْفَعَنَا اَوْ نَتَّخِذَهُ وَاٰدًا وَ هُمْ لَا یَشْعُرُوْنَ (قصص، ۲۸)، (۹)</p> <p>حضرت آسیه بلای قتل را از موسی (علیه‌السلام) برگرداند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۶، ۱۲)</p>
زنان مؤمن در کنار مردان مؤمن	<p>قُتِلَ اَصْحَابُ الْاُخْدُوْدِ ... اِنَّ الَّذِیْنَ قَتَلُوْا الْمُؤْمِنِیْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ یَتُوبُوْا فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَ لَهُمْ عَذَابُ الْحَرِیْقِ (بروج، ۸۵-۴ و ۸ و ۱۰) برخی از زنان مؤمن، تا نیل به شهادت پایداری کردند. زمخشری، ۱۴۰۸ق: ۴، ۷۲۹-۷۳۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۱، ۱۱۷-۱۱۹؛ قرطبی، ۱۹۶۷م: ۱۹، ۲۹۴؛ ابوحیان، ۱۴۰۳ق: ۸، ۴۴۵</p>
	<p>... ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانُوْا یَكْفُرُوْنَ بِآیَاتِ اللّٰهِ وَ یَقْتُلُوْنَ النَّبِیِّیْنَ بِغَیْرِ الْحَقِّ ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوْا یَعْتَدُوْنَ (بقره، ۲) (۶۱)</p>

انبیاء	<p>إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بِغَيْرِ حَقِّ (آل عمران (۳) ۲۱)</p>
	<p>... ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ (آل عمران (۳) ۱۱۲)</p>
	<p>فَبِمَا نَفْسِهِمْ مِثْقَلِهَا وَكَفَرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ (نساء (۴) ۱۵۵)</p>
	<p>... قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالذِّكْرِ فَلَمَّا قَتَلْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ صَادِقِينَ (آل عمران (۳) ۱۸۳)</p>
	<p>... قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (بقره (۲) ۹۱)</p> <p>ظاهر آیه این است که «یقتلون» عطف بر «یکفرون» است. در نتیجه «کانوا» بر سر «یقتلون» نیز تکرار می شود و این دلالت دارد که پیامبرگشتی در میان بنی اسرائیل به صورت عادت و خصلت زشت لازم درآمده بود. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۴، ۶۵۰).</p>
یحیی (ع)	<p>لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ (مائده (۵) ۷۰)</p>
	<p>أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ يَحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ (آل عمران (۳) ۳۹)</p> <p>یحیی نبی (علیه السلام) بهترین اهل زمان خویش معرفی شده که توسط یک زن به قتل رسیده است (السیوطی، ۱۴۰۴: ۵، ۴۸۹). تقوا، رمز حسن عاقبت است. «اتَّقُوا اللَّهَ ... تَمُوتُنَّ ... مُسْلِمُونَ» (آل عمران (۳) ۱۰۲) (قرائتی، ۱۳۸۸، ۱، ۵۷۶)</p> <p>یا یحیی خذ الكتاب ... و سلام علیه ... و یوم یبعث حیا (مریم (۱۹)، ۱۲ و ۱۵)</p> <p>قتل پیامبرانی (مانند زکریا و یحیی علیهما السلام) توسط بنی اسرائیل ذکر شده است. (شبر، ۱۴۱۲ق: ۴۹)</p>
	<p>وَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قِيلَ أَنْ أَذْنُ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرَتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِنُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأَصْلَبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ وَمَا نَنفَعُ مَنَا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ (اعراف (۷)، ۱۲۰-۱۲۶)</p>
سحره فرعون	<p>فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلُ أَنْ أَذْنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأَصْلَبَنَّكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَتَعْلَمَنَّ إِنَّا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى قَالُوا لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَيَّ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِنَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السَّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى (طه (۲۰)، ۷۰-۷۲)</p>
	<p>فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلُ أَنْ أَذْنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأَصْلَبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبَّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ (شعراء (۲۶) ۴۶-۵۱)</p>

<p>جعفر بن ابی طالب</p>	<p>مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (احزاب (۳۳) ۲۳)</p> <p>مفسران، مقصود از « من المؤمنین رجال » را جعفر و دیگر همزمانش دانسته اند که در غزوه موته به شهادت رسیدند. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۸، ۲۰۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵، ۱۲۲) و در روایتی از علی (علیه السلام) نیز به آن تصریح شده است (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۴، ۲۵۸، ح ۵۰)</p>
<p>حمزه بن عبدالمطلب</p>	<p>از جمله شهیدان حمزه بن عبدالمطلب است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵، ۱۲۲؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۴، ۲۵۸، ح ۵۰)</p>
<p>مؤمن آل یاسین</p>	<p>وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَىٰ قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ إِنِّي أَمْتٌ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ. (یس (۳۶) ۲۰ و ۲۶ و ۲۷)</p> <p>مقصود از « رجل » حبیب نجار است که بر اثر حمایت از رسولان انطاکیه به دست قوم خود به شهادت رسید. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸، ۶۵۵-۶۵۹)</p>
<p>عدالت خواهان</p>	<p>إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (آل عمران (۳) ۲۱ و ۲۲) عدالت خواهان، به وسیله کافران بنی اسرائیل شهید شدند.</p>
<p>مؤمن آل فرعون</p>	<p>وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا سَبِيلَ الرَّشَادِ (۳۸) يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ (۳۹) مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ (۴۰) وَ يَا قَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجَاةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ (۴۱) تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَ أَشْرَكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَ أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيمِ الْعَفَّارِ (۴۲) لَا جْرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَا فِي الْآخِرَةِ وَ أَنْ مَرَدْنَا إِلَى اللَّهِ وَ أَنْ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (۴۳) فَسْتَدْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَ أَفَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (۴۴) فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكُرُوا وَ حَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ (غافر (۴۰) ۴۵)</p> <p>در روایتی از امام صادق (علیه السلام) در تفسیر جمله «فوقاه الله سيئات ما مكروا» آمده، مؤمن آل فرعون به دست فرعونیان قطعه قطعه شد، ولی خداوند دین او را حفظ کرد. (حویزی، ۱۴۱۵: ۴، ۵۲۱، ح ۵۴)</p>
<p>مجاهدانی که در جهاد به شهادت رسیده اند</p>	<p>فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (آل عمران، ۱۴۶)</p> <p>وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (آل عمران (۳) ۱۴۷)</p> <p>وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (آل عمران (۳) ۱۴۸)</p> <p>الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ (آل عمران (۳) ۱۷۲)</p> <p>الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَ قَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ (آل عمران (۳) ۱۷۳)</p>

	وَ اتَّبِعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ (آل عمران ۳)، (۱۷۴)
	وَ اُوذُوا فِي سَبِيلِي (آل عمران ۳)، (۱۹۵)
	وَ مَنْ اَوْفَى بَعْدِهِ مِنْ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ (توبه ۹)، (۱۱۱)
	الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ (نساء ۴)، (۷۴)
	كَانَهُمْ بَنِيَانٌ مَرْصُورٌ (صف ۶۱)، (۴)
شأن نزول آیات در مورد شهادت امام حسین (علیه السلام)	«مَنْ قَتَلَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ»، فَقَدْ قَتَلَ الْحُسَيْنَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ (العیاشی، (۱۳۸۰ق): ۲، (۲۹۰)
	نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي الْحُسَيْنِ ع «وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لوكِيهِ سُلْطَانًا» «فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ» قَاتَلَ الْحُسَيْنُ «إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا» قَالَ الْحُسَيْنُ ع (العیاشی، (۱۳۸۰ق): ۲، (۲۹۰)
	«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي» يَعْنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع (القمی، (۱۳۶۳): ۲، (۴۲۲)

هر یک از آیات ذکر شده در جدول بالا از منظری به اوصاف کشته شدگان در راه خدا توجه نموده است، در مرحله دوم ضمن تحلیل داده‌های جمع آوری شده از جدول شماره ۱، هر یک از این داده‌ها کدگذاری گردید و در مجموع ۷۳ کد به دست آمد که در جدول شماره ۲ جای‌گذاری گردیده‌اند:

جدول ۲. کدگذاری باز برای طبقه‌بندی ویژگی‌های شهدای قرآنی

شناسه	ویژگی شهداء	مصادیق شهدا در قرآن کریم
R1	الگو بودن برای تمام مؤمنان	بانوان شهید شهادت آسیه (سلام الله علیها) زیر شکنجه‌های فرعون، به دلیل ایمان وی به خدا
R2	اعتقاد محکم	
R3	آرزوی ارزشمند اخروی	
R4	بیزاری از ظالمان	
R5	وجود نسبت خانوادگی مانع پیروی از حق و برائت از ظلم نمی‌شود	
R6	دفاع از مظلوم	
R7	برخی از زنان مؤمن، تا نیل به شهادت در مقابل سختی‌ها استقامت و صبر بر ایمان دارند	
R8	کشته شدن به غیر حق توسط عاصیان و متجاوز گران	پیامبران شهید بنی اسرائیل به وسیله
R9	کشته شدن به غیر حق	
R10	کشته شدن به غیر حق توسط کافران	

انبیاء شهید	کافران بنی اسرائیل	کشته شدن به غیر حق	R۱۱
		کشته شدن انبیاء	R۱۲
		کشته شدن توسط افرادی که ادعای ایمان دارند	R۱۳
		کشته شدن توسط پیمان شکنان	R۱۴
	یحیی (ع)	سیادت و سروری در اوصاف دینی و اخلاقی	R۱۵
		تقوا	R۱۶
		کشته شدن نبی خدا	R۱۷
سحره فرعون	شهادت ساحران به دست فرعون به دلیل ایمان به خدا	سجود الی الله	R۱۸
		ایمان به رب العالمین	R۱۹
		استقامت در برابر شکنجه	R۲۰
		انقلاب الی الله	R۲۱
		دعای بر صبر	R۲۲
		دعای مرگ مؤمنانه	R۲۳
		سجود الی الله	R۲۴
		ایمان به رب معرفی شده توسط انبیاء	R۲۵
		ایمانشان بر اساس بینه و برهان است	R۲۶
		دشمنان را از خود مأیوس می کنند	R۲۷
		ابرقدرت در نگاهشان حقیر و بی ارزش اند	R۲۸
		ایمان به رب العالمین	R۲۹
		استقامت در برابر شکنجه	R۳۰
		شجاعت در برابر طاغوت	R۳۱
		انقلاب الی الله	R۳۲
		امید به مغفرت الهی	R۳۳
		سبقت در ایمان	R۳۴
امت پیامبر (ص)	جعفر بن ابی طالب و هم‌زمانش	صداقت در عهد الهی	R۳۵
		انتظار برای شهادت	R۳۶
	حمزه بن عبدالمطلب	صداقت در عهد الهی	R۳۷
مؤمن آل یاسین	شهادت حبیب‌نجار از سوی کافران، پس از اظهار ایمان به خدای یکتا و دفاع از رسولان انطاکیه	بُعد مسافت مانع حق طلبی شان نیست	R۳۸
		در دفاع از حق سرعت عمل دارند	R۳۹
		دعوت مردم به حق	R۴۰
		اظهار و تبعیت از حق در گفتار	R۴۱
		امر به معروف	R۴۲
		خیرخواهی برای مردم	R۴۳

		آرزوی آگاهی مردم از شمول آموزش و کرامت الهی نسبت به وی، پس از شهادت	R۴۴
عدالت خواهان	شهادت عدالت خواهان، به وسیله کافران بنی اسرائیل	انبیاء و عدالت خواهان به ناحق کشته می شوند	R۴۵
مؤمن آل فرعون	شهادت مؤمن آل فرعون به دستور فرعون، به دلیل ایمان وی به خدا	آگاه سازی گمراهان	R۴۶
		دعوت به رجوع به علم	R۴۷
		دعوت مردم به ایمان	R۴۸
		سخن قاطعانه در دعوت به حق	R۴۹
		توکل به خدا در سختی ها	R۵۰
		امر به معروف و نهی از منکر	R۵۱
مجاهدان شهید		صبر و استقامت	R۵۲
		عدم سستی و ضعف در سختی های راه خدا	R۵۳
		طلب پاکی نفس از پرودگار	R۵۴
		طلب استقامت	R۵۵
		طلب نصرت الهی	R۵۶
		موفقیت ها را از خدا دیدن	R۵۷
		درستکاری	R۵۸
		اجابت مجدد دعوت رهبر پس از آسیب دیدن	R۵۹
		افزایش ایمان در سختی ها	R۶۰
		اتکال به قدرت خداوند	R۶۱
		وفای به عهد الهی	R۶۲
		به دنبال جلب رضای الهی بودن (اخلاص)	R۶۳
		معامله با خدا	R۶۴
		معامله دنیا با آخرت (آخرت طلبی)	R۶۵
تحمل رنج در راه خدا	R۶۶		
استقامت چون بنای آهنین	R۶۷		
امام حسین (علیه السلام)		شهید کردن دیگران، قتل نفس حرام است	R۶۸
		شهید کردن، مصداق ظلم است	R۶۹
		شهید کردن، مصداق اسراف است	R۷۰
		برای شهدا، ولی سلطان باید خونخواهی کند	R۷۱
		شهادت همان نصرت است	R۷۲
		شهادت، رسیدن به مقام اطمینان و رضا است	R۷۳

یافته‌های پژوهش شامل مؤلفه‌های قرآنی تقدم «شهادت نفسی» بر «شهادت فعلی»

در روند انجام کار، بعد از گزینش و استخراج آیات مربوط به شهادت، مصادیق شهدا بر اساس تفاسیر مهم روایی و جامع شیعی و در بعضی موارد اهل سنت، بررسی شد. سپس، هر ویژگی خاصی که در آیه شریفه به آن اشاره شده بود، به عنوان شناسه‌ی مستقل کدگذاری شد. اکنون در این بخش از پژوهش، شناسه‌ها بر اساس مشابهت و ترابط بین مفاهیم، سازماندهی و مقوله‌بندی می‌شوند. مؤلفه‌های قرآنی شهادت نفسی، شامل سه بخش «نسبت به خدا، خود و مردم» در سه بُعد بینش، گرایش و کنش به دست آمد.

نگرش‌ها و بینش‌ها پایه‌ای‌ترین و بنیادی‌ترین لایه‌ی وجودی هر انسان است. نگرش‌ها، در سطح ارزش‌ها آشکار می‌گردد و ارزش‌های هر فرد به گونه‌های مختلف رفتارهای وی را می‌سازد (فعال، ۱۳۹۷: ۱۱۱). راه اندازی هر رفتاری در انسان مستلزم فعال شدن دست‌کم دو فرایند «شناخت» و «اراده» است. در حوزه شناخت، علم و ادراک دخیل است که از آن به «بینش» تعبیر می‌شود و در اراده، میل و رغبت و انگیزش نقش دارد که از آن به «گرایش» تعبیر می‌گردد. این دو عامل اساسی، یعنی «بینش» و «گرایش» موجب پیدایش «کنش» یعنی رفتار می‌گردند: بینش + گرایش = کنش (جلالی، ۱۳۸۰: ۴۷). بینش، توانایی نگرستن به پدیده‌ها و دریافت رویدادها، تأثیرپذیری و نتیجه‌گیری از آنهاست (فقهی زاده و لزگی، ۱۳۹۳: ۳). از این رو، آنچه با نوع نگرش و معرفت افراد نسبت به مسائل پیرامون زندگی شان ارتباط دارد، جزء بینش اوست، به طوری که بر اساس این بینش و معرفت، انتخاب‌های خود را مدیریت می‌کند.

بنابراین، منظور از نگرش یا بینش، مفاهیم مربوط به عقاید و معارف شهادت و منظور از گرایش مفاهیم مرتبط به آرزوها، احساسات، دعاها و هر آنچه به بعد عاطفی و انگیزش ارتباط پیدا می‌کند. در نهایت مراد از کنش، مفاهیمی است که ناظر بر اعمال، رفتار و سخنان شهادت است:

جدول ۳. شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد «تقدم شهادت نفسی بر شهادت فعلی» بر اساس آیات قرآن کریم

تجمع شناسه‌ها	مؤلفه‌های سازنده‌ی شخصیت شهدا	مؤلفه‌های قرآنی
R _۲	اعتقاد محکم	نسبت به خدا بینشی (اعتقادی)
R _{۶۳}	اخلاص	
R _{۱۶}	تقوا	
R _{۵۷}	موفقیت‌ها را از خدا دیدن	
R _{۲۹} + R _{۱۹} +R _{۲۵}	ایمان به خدا	
R _{۵۰}	توکل به خدا در سختی‌ها	

	نسبت به خود	اتکال به قدرت خداوند	R۶۱
		ایمانشان بر اساس بینه و برهان است	R۲۶
		سبقت در ایمان	R۳۴
		افزایش ایمان در سختی‌ها	R۶۰
		عدم سستی و ضعف در سختی‌های راه خدا	R۵۳
		انقلاب درونی الی الله	R۳۲+R۲۱
	نسبت به مردم	بیزاری از ظالمان	R۴
		بُعد مسافت مانع حق طلبی‌شان نیست	R۳۸
گرایشی (عاطفی)	نسبت به خدا	آرزوی ارزشمند اخروی	R۳
		طلب پاکی نفس از پرودگار	R۵۴
		دعای مرگ مؤمنانه	R۲۳
		آخرت طلبی	R۶۵
		طلب نصرت الهی	R۵۶
		امید به مغفرت الهی	R۳۳
		دعای بر صبر	R۲۲
	نسبت به خود	انتظار برای شهادت	R۳۶
	نسبت به مردم	خیرخواهی برای مردم	R۴۳
		آرزوی آگاهی مردم از شمول آمرزش و کرامت الهی نسبت به وی، پس از شهادت	R۴۴
		ابرقدرت در نگاهشان حقیر و بی‌ارزش‌اند	R۲۸
		شجاعت در برابر طاغوت	R۳۱
	کنشی (رفتاری)	نسبت به خدا	وفای به عهد الهی
سجود الی الله			R۱۸
صداقت در عهد الهی			R۳۵
کشته شدن به ناحق			+ R۱۱+ R۱۰+ R۹+R۸
شهادت برای قاتل، نفس حرام است			+ R۱۷+ R۱۴+ R۱۳+R۱۲
شهید کردن، مصداق ظلم و اسراف است			+ R۷۰+ R۶۹+ R۶۸+R۴۵
شهادت، رسیدن به مقام اطمینان و رضا است			R۷۲+R۷۱
معامله با خدا		R۶۴	
		اظهار و تبعیت از حق در گفتار	R۴۱
	سخن قاطعانه در دعوت به حق	R۴۹	

در مورد رفتارهای شخصی	صبر و استقامت در سختی ها در راه خدا چون بنای آهنین	+ R52+ R30+ R20+R7 R67+ R66+R55
	اجابت مجدد دعوت رهبر پس از آسیب دیدن	R59
نسبت به مردم	درستکاری	R58
	در دفاع از حق سرعت عمل دارند	R39
	دعوت به رجوع به علم	R47
	دفاع از مظلوم	R6
	الگو بودن برای تمام مؤمنان	R1
	دعوت مردم به حق و ایمان	R48+R40
	والی دارای قدرت باید برای شهدا، خونخواهی کند	R71
	امر به معروف و نهی از منکر	R51+R42
آگاه سازی گمراهان	R46	

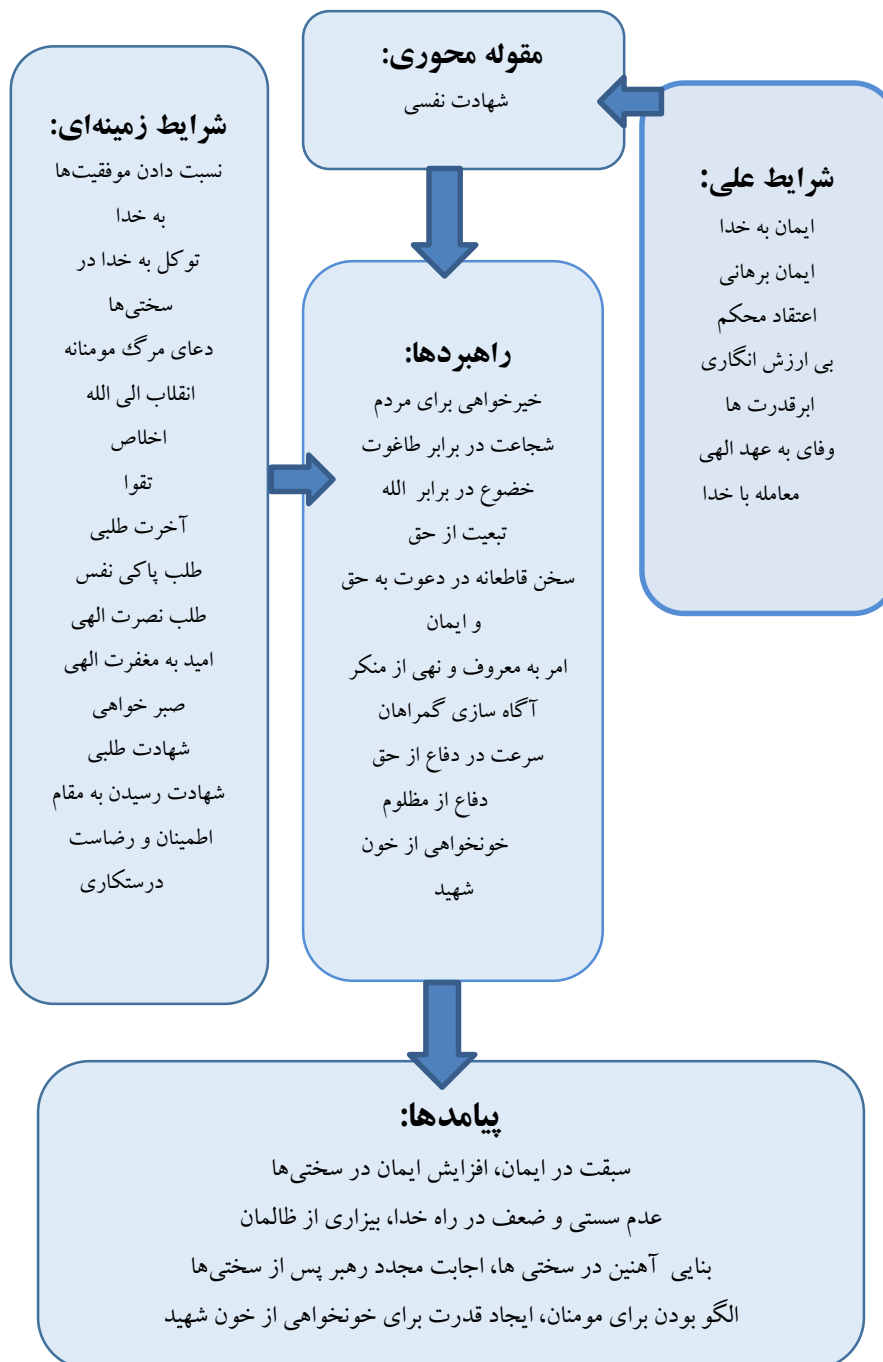
بر اساس مراحل انجام شده به الگویی جامع از بیش ها، گرایش ها و کنش های خاص کشته شدگان در راه خدا از منظر قرآن کریم دست یافتیم، بر اساس اخذ مفاهیم و مؤلفه های «چگونه شهید زیستن» در مکتب شهید سلیمانی که خود وام دار مکتب قرآنی است، به سه مبنای بینشی، گرایشی و کنشی می رسیم. هر یک شامل چند نوع مؤلفه جزئی تر اند: در بخش مبنای بینشی یا اعتقادی، شخص باید سه وجه اعتقادی شامل ایمان، انقلاب و حق طلبی باشد. در بخش مبنای گرایشی یا عاطفی، بعد شهادت طلبی به دست آمد. در بخش مبنای کنشی یا رفتاری، سه عملکرد وفاداری، ولایتمداری همراه با استواری و در نهایت امر به معروف و نهی از منکر دیده می شود.

جدول ۴. تجمیع شاخص ها، مؤلفه ها و ابعاد تقدم شهادت نفسی بر شهادت فعلی بر اساس آیات قرآن کریم

مؤلفه های قرآنی	ابعاد ارتباطی	شاخصه های تقدم شهادت نفسی بر شهادت فعلی	قدر مشترک مؤلفه های قرآنی
بینشی	نسبت به خدا	ایمان - تقوا - اخلاص - احکام در ایمان - اتکال به خدا	ایمان مخلصانه
	مربوط به شخص	ایمان برهانی - سبقت ایمانی - انقلاب درونی	انقلاب عالمانه
	نسبت به دیگران (مردم یا طاغوت)	حق طلبی نسبت به مردم ظلم ستیزی نسبت به طاغوت	حق طلبی
	نسبت به خدا	طلب شهادت: (طلب نصرت - صبر -	

گرایشی	طهارت - مغفرت)		شهادت طلبی
	مربوط به شخص	انتظار شهادت	
	نسبت به دیگران (مردم یا طاغوت)	خیرخواهی مردم تحقیر ابرقدرت ها - شجاعت در برابر طاغوت	
کنشی	نسبت به خدا	قتل فی سبیل الله - صداقت - وفای به عهد - معامله با خدا	وفاداری
	مربوط به شخص	تبعیت از حق - اجابت رهبر در شدائد - سرعت در حق مداری در دستکاری - قاطعیت - استقامت	ولایت مداری استوارانه
	نسبت به مردم	امر به معروف و نهی از منکر بر اساس علم - نقش الگویی - دفاع از مظلوم	امر به معروف و نهی از منکر عالمانه

پس از پایان سه گام اساسی در مرحله کد گذاری باز، نوبت به کد گذاری محوری داده ها می رسد، در این مرحله با نگاهی موشکافانه، تمام مقولات به دست آمده در جدول های شماره ۲ و ۳ را از نظر نوع ارتباط مفهومی که با فرجام کار کشته شدگان در راه خدا دارد پیوند داده تا به الگوی مفهومی جامعی از چگونگی تقدم شهادت نفسی بر شهادت فعلی در حیات دنیوی کشته شدگان در راه خدا دست یابیم:



نمودار ۲. الگوی مفهومی از چگونگی تقدم شهادت نفسی بر شهادت فعلی در حیات دنیوی کشته شدگان در

راه خدا

همانگونه که در نمودار شماره ۲ مشخص گردید، مجموعه ای از شرایط علی و زمینه منجر به اتخاذ راهبردهای خاص رفتاری در زندگی کشته شدگان در راه خدا گردید، که قتل فی سبیل الله تنها یکی از پیامدهای آن است، در این جدول تقدم زمانی شهادت نفسی بر شهادت فعلی به خوبی نمایان گردید، از سوی دیگر تقدم شرافتی شهادت نفسی بر شهادت فعلی به این جهت که شهادت فعلی تنها یکی از پیامدهای شهادت نفسی است پدیدار می گردد و به لحاظ وجودی نیز معلوم می شود که تا شهادت نفسی با تمامی شرایط زمینه‌ای و علی و راه کارهای برآمده از آنها در وجود کسی تحقق نیابد شهادت فعلی محقق نمی شود، در حقیقت شهادت نفسی شرط لازم و کافی برای تحقق شهادت فعلی است اما شهادت فعلی پیامد قطعی شهادت نفسی نیست و این رابطه یک سویه است، که خود اثبات کننده صحت کلام شهید بزرگوار بر اساس مبانی قرآنی است که فرمود: «برای شهید شدن، باید شهید بود». بنابراین، راه «شهادت فعلی»، جز از طریق «شهادت نفسی» نیست اما الزاما هر کسی به مقام شهادت نفسی در دنیا رسید، شهادت فعلی برای وی قطعیت ندارد ولی بر اساس روایات به مرتبه‌ای از مراتب و اجر شهدا نائل می شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

الف. نتیجه‌گیری

قرآن کریم بین شیوه‌ی زندگی در حیات دنیوی، نحوه‌ی مرگ و انتقال از این دنیا و در نهایت، رتبه‌ی حشر انسان در قیامت ارتباط مستقیمی را بیان می کند. از سوی دیگر، یکی از جملات تأثیرگذار سپهبد شهید سلیمانی ناظر به مفهوم تقدم «شهید بودن» در این دنیا به «شهید شدن» در عرصه عمل است. شهید بودن ناظر به مرحله‌ای از زندگی، قبل از قبض روح است و آن یعنی انسان خود را واجد صفات شهدا نماید. در این پژوهش، تعبیر جعل شده‌ی «شهادت نفسی» به نوع خاصی از سبک زندگی شهدایی اطلاق می شود که حاکی از اتصاف به سه بُعد از اوصاف عقیدتی، عاطفی و رفتاری است. بر اساس مکتب شهید سلیمانی، لازمه‌ی «شهید شدن» به معنای ازاله‌ی روح از بدن در راه خدا - که ما تعبیر شهادت فعلی را برای آن به کار بردیم - «شهید بودن» است. این تقدم از آیات قرآن کریم قابل استنباط و تأیید است. از یافته‌های این پژوهش، کشف مؤلفه‌هایی است که در صورت رعایت آنها، «شهادت نفسی» برای انسان حاصل شده و در صورت استمرار انسان را در مسیر دریافت موهبت مقام شهادت فعلی قرار می دهد. در این میان، حتی افرادی که به قدر توان برخی از این اوصاف را در خود ایجاد کرده باشند، مشروط به اینکه تا زمان مرگ آن را حفظ کنند، در قیامت به اجر و ثوابی از مقام شهادت فعلی می رسد. وجه تمایز این پژوهش با موارد دیگر، ایجاد ارتباط بین دو مفهوم برخاسته از آموزه‌های قرآنی - شهادت نفسی و فعلی - از طریق

روش تحقیق داده بنیاد است. در مکتب شهید سلیمانی که متخذ از مکتب اسلام است و در مسیر گفتمان انقلاب اسلامی پرورش یافته است، شرط رسیدن به مقام شهادت، نیازمند شناخت مؤلفه‌هایی است که در نهایت منجر به ایجاد یک سبک خاص از زندگی شهادتی شود. مؤلفه‌های قرآنی شهادت نفسی، شامل سه بخش «نسبت به خدا، خود و مردم» در سه بُعد بینش، گرایش و کنش به دست آمد. بنابراین، هرچه این ابعاد شخصیتی معرفی شده در قرآن بیشتر شناخته شود، در ترویج این مکتب مؤثرتر خواهد بود.

ب. پیشنهاد

نظر به اهمیت جایگاه سردار شهید سلیمانی و مقبولیت و محبوبیت وی در جهان اسلام و ابتناء همه جانبه‌ی الگوهای بینشی، گرایشی و کنشی آن شهید بر مبانی و حیاتی قرآن کریم پیشنهاد می‌شود تحقیقات وسیع‌تر و عمیق‌تری در زمینه تحلیل سخنان و شاخصه‌های اعتقادی و ارزشی و رفتاری وی صورت پذیرد تا خیل عظیم علاقمندان به آن شهید را با مبانی تفکر سلیمانی‌ها آشنا سازد.

منابع فارسی

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، (۱۳۷۳)، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- استراس، آنسلم؛ کوربین، جولیت ام، (۱۳۹۰)، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه ها و شیوه ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- الجر، خلیل؛ فاحوری، حنا، (۱۳۹۳)، تاریخ فلسفه در جهان اسلام، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- جلالی، حسین، (۱۳۸۰)، درآمدی بر بحث بینش، گرایش، کنش و آثار متقابل آنها، نشریه معرفت، شماره ۵۰. جواد آملی، عبدالله، (۱۳۷۸)، تفسیر تسنیم، قم: اسراء.
- جواد آملی، عبدالله، (۱۳۹۶)، تفسیر قرآن کریم، تدوین عبدالکریم عابدینی، قم: اسراء.
- حسینی خامنه ای، علی، بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، در تاریخ ۵ شهریور ۱۳۸۰، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای (مدظله العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب، <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=۳&npt=۷&aya=۱۶۹>
- خنیفر، حسین؛ مسلمی، ناهید، (۱۳۹۶)، اصول و مؤلفه های روش های پژوهش کیفی، تهران: انتشارات دانش.
- سلیمانی، قاسم، (۱۳۹۵)، کنگره ملی ۸ هزار شهید استان گیلان، خبرگزاری گیلانستان، کد خبر: ۴۵۶۰۸، تاریخ انتشار: ۱۵ دی ۱۳۹۸، <http://www.gilanestan.ir/?p=۴۵۶۰۸>
- صلیبا، جمیل، (۱۳۶۶)، فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، تهران: انتشارات حکمت.
- فعالی، محمدتقی، (۱۳۹۷)، مؤلفه های سبک زندگی اسلامی، قم: مؤسسه فرهنگی، هنری دین و معنویت آل یس.
- فقهی زاده، عبدالهادی؛ لزگی، علینقی، (۱۳۹۳)، مؤلفه های بینشی و روشی مدیریت نظامی در نهج البلاغه، بصیرت و تربیت اسلامی، سال یازدهم، شماره ۲۹، ص ۱-۲۰.
- قرائتی، محسن، (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- الکسیس کارل (۱۳۸۷)، نیایش، ترجمه علی شریعتی، تهران: دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار معلم شهید دکتر علی شریعتی.

منابع عربی

- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶)، الأمالی (للسدوق)، تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، محقق علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن سینا، حسین ابن عبدالله، (۱۴۰۳ق)، الإشارات و التنبيهات مع المحاکمات، شرح نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد و قطب الدین رازی، محمد بن محمد، قم: دفتر نشر کتاب.
- ابن شاذان، محمد بن احمد، (۱۴۰۷ق)، مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة، مصحح مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم: مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- ابن عربی، محمد بن علی، (۱۴۱۰ق)، رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن، محقق محمود محمود غراب، دمشق: مطبعة نصر.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: آستان قدس

رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
ابوحیان، محمد بن یوسف، (۱۴۰۳ق)، تفسیر البحر المحیط، بیروت: دارالفکر.
حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، قم: اسماعیلیان.
زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتب العربی.
السیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
شبر، سید عبدالله، (۱۴۱۲ق)، تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دارالبلاغه للطباعة و النشر.
صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۰۶ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، قم: فرهنگ اسلامی.
طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للطبوعات.
طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح احمد حبیب عاملی، مقدمه نويس محمد محسن آقا بزرگ تهرانی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، التفسیر (تفسیر العیاشی)، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
قرطبی، محمد بن احمد، (۹۶۷م)، الجامع لاحکام القرآن، بی جا: بی نا.
قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، قم: دار الکتب.
کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: الإسلامیه.
مازندرانی، محمد صالح بن احمد، (۱۳۸۲ق)، شرح الکافی - الأصول و الروضه (للمولی صالح المازندرانی)، مصحح ابوالحسن شعرانی، تهران: المکتبه الإسلامیه.

منابع انگلیسی

- Allan, George, (۲۰۰۳), **A critique of using grounded theory as a research method**,
Electronic Journal of Business Research Methods, Volume ۲, Issue ۱, pp. ۱-۱۰.
- Corbin, J., & Strauss, A. (۱۹۹۰), **Grounded Theory Research: Procedure and Evaluative Criteria**. Qualitative Sociology, Vol. ۱۳, No. ۱, ۱۹۹۰.
- Sato Hidenori, (۲۰۱۹), **Using grounded theory approach in management research**,
Annals of Business Administrative Science, pp. ۱-۱۰,
<http://doi.org/۱۰.۷۸۸۰/abas.۰۱۹۰۳۲۶a>
- Walliman, Nicolas, (۲۰۱۱), **Research Methods- the basics**, the USA: Routledge.

